

# علوم و فنون ادبی

رشته علوم انسانی و معارف اسلامی

سال تحصیلی : ۹۶-۱۳۹۵

## هست کلید در گنج حکیم

### فهرست مطالب

ستایش : ای بی نشان

فصل یکم : تاریخ ادبیات و سبک شناسی

درس (۱) : آشنایی با شکل گیری و تحول زبان و ادبیات فارسی

درس (۲) : سبک و سبک شناسی (دوره اول - سبک خراسانی)

درس (۳) : نگاهی به ادبیات و زبان فارسی در قرن های پنجم تا هفتم

درس (۴) : سبک و سبک شناسی (دوره دوم، سبک عراقی)

\* کارگاه تحلیل

فصل دوم : موسیقی شعر

درس (۵) : سازه ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی

درس (۶) : هماهنگی پاره های کلام

درس (۷) : قافیه

درس (۸) : وزن شعر فارسی

## \* کارگاه تحلیل

فصل سوم : زیبایی شناسی (بدیع لفظی)

درس (۹) : واج آرای، تکرار

درس (۱۰) : سجع، انواع سجع

درس (۱۱) : موازنه و ترصیع

درس (۱۲) : جناس، انواع جناس

\* کارگاه تحلیل

فصل چهارم : کارگاه تحلیل متن

درس (۱۳) : نثر

درس (۱۴) : شعر

## ستایش

### ای بی نشان

گم گشت در تو هر دو جهان، از که جویمت  
نایافت یافت می توان از که جویمت  
اکنون مرا بگو که نهان از که جویمت  
ای برتر از یقین و گمان از که جویمت  
ای در درون پرده جان، از که جویمت  
ای بس عیان به عین عیان از که جویمت  
عطارنیشابوری، دیوان اشعار، غزلیات

ای بی نشان محض، نشان از که جویمت  
تو گم نه ای و گمشده تو منم ولیک  
پیدا بسی بجستم اما نیافتم  
چون در رهت یقین و گمانی همی رود  
در جست و جوی تو دلم از پرده اوفتاد  
عطار اگرچه یافت به عین یقین تو را

## فصل اوّل

### تاریخ ادبیات و سبک شناسی

درس (۱): تاریخ ادبیات

درس (۲): سبک شناسی دوره اوّل

درس (۳): تاریخ ادبیات

درس (۴): سبک شناسی دوره دوم

\* کارگاه تحلیل

### درس ۱

#### آشنایی با شکل گیری و تحوّل زبان و ادبیات فارسی

##### سه قرن اول هجری

پس از سقوط دولت ساسانی و از دست رفتن استقلال ایران، ایرانیان در قرن‌های نخستین هجری به فعالیت‌های علمی و ادبی خود ادامه دادند و به زبان‌های گوناگون فارسی پهلوی و عربی آثار فراوان پدید آوردند. در آغاز قرن سوم، دولت نیمه مستقل طاهری و پس از آن، دولت مستقل صفاری بر سر کار آمد. یعقوب لیث صفاری برای ایجاد حکومت و دولت مستقل ایرانی و برانداختن یا ضعیف کردن حکومت بغداد دست به کار شد و بر سر آن بود تا عظمت و اقتدار ایران را به آن بازگرداند. وی نه با زبان عربی آشنایی داشت و نه اجازه داد تا زبان عربی در دستگاه حکومت او به کار رود؛ به همین سبب، زبان فارسی دری را که خود می‌فهمید و بدان سخن می‌گفت، زبان رسمی کشور اعلام کرد. پس از آن دولت سامانی، آل بویه و حکومت‌های کوچک دیگر پدید آمدند و زبان فارسی دری فرصت و امکان یافت تا به‌عنوان زبان رسمی ادبی، سیاسی و علمی رشد یابد.

##### قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم

قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم، مهم‌ترین دوره تمدن اسلامی ایران بود. در این دوره، نظم و

نثر فارسی شکوفا شد. در آغاز این دوره، دولت سامانی روی کار آمد و به احیاء رسم‌ها و سنت‌های قدیم ایران پرداخت.

در زمان سامانیان، بخارا عمده‌ترین مرکز فرهنگی به شمار می‌آمد و بسیاری از فقها و ادیبانی که در این شهر می‌زیستند، آثار ارزنده‌ای به پارسی و تازی، در قلمرو فرهنگ اسلامی پدید آوردند. بعضی از امیران سامانی، خود صاحب فضل و ادب بودند.

آنها شاعران پارسی‌گوی را تشویق می‌کردند و مترجمان را به ترجمه کتاب‌های معتبری مانند سندهادنامه، بختیارنامه، کليلة و دمنه و تاریخ طبری به نثر فارسی برمی‌انگیختند. در واقع می‌توان گفت بنیان شعر پارسی، و حماسه ملی ایران در این دوره به دست رودکی و فردوسی گذاشته شد.

اما همه این درخشش در پایان این دوره با شکست سامانیان از ترکان آل افراسیاب (به سال ۳۸۹ هجری) به تیرگی گرایید. خراسان به دست سبکتگین و پسرش محمود افتاد. او سلسله غزنوی را در ۳۵۱ هجری در شهر غزنه تشکیل داد. دربار غزنویان تا پایان سلطنت مسعود به وجود شاعران بزرگ پارسی‌گوی که در اواخر عهد سامانی تربیت یافته بودند مانند عنصری، فرخی و منوچهری آراسته بود. در مجموع، قرن چهارم هجری دوران غلبه و رواج و حفظ و ارائه آداب و رسوم ملی بود. پایه حماسه‌های ملی به زبان فارسی در این قرن گذاشته شد و زبان پارسی را با ادبیات غنی آن بر کرسی نشاند. قرن چهارم یک دوره طلایی همراه با شکوفایی روح ایرانی بود که با دانشمند بزرگی چون محمدبن زکریای رازی آغاز شد و با شاعر بلندمرتبه بی نظیری مانند فردوسی پایان یافت.

این دوره، عصر رواج و رونق دانش‌های گوناگون و ظهور دانشمندان بزرگ است. در این دوره در شاخه‌های مختلف علوم شرعی کارهای ارزنده‌ای به وجود آمد. در تفسیر قرآن، کتاب محمدبن جریر طبری (م ۳۱۰ هجری) به فرمان منصور بن نوح سامانی به پارسی درآمد. این کتاب از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین آثار بازمانده فارسی دری محسوب می‌شود.

قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم دوره ترقی در همه باب‌های دانش بود و مردان مشهوری از آغاز تا پایان این دوره در فلسفه و طب، سرگرم تألیف بودند. برای نمونه ابوعلی سینا، در همه علوم عهد خود تبخّر داشت و در هر باب از دانش‌های روزگار خود صاحب تحقیق و تألیف بود و حتی به پارسی و عربی شعر می‌سرود.

وجود سخنورانی چون رودکی، فردوسی و عنصری در کنار بسیاری از شاعران پارسی‌گوی، نشانی از اهمیت این دوره است. آغاز این دوره که از نظر تاریخی هم زمان است با اوج حاکمیت سامانیان، در واقع عصر اندیشه استقلال ملی ایران است؛ بنابراین امرای سامانی با تأکید بر ضرورت

تألیف به زبان فارسی دری و گردآوری تاریخ و روایات گذشته ایرانی، در برابر خلافت بیگانه بغداد به هویتی مستقل دست پیدا می‌کنند و با تشویق شاعران و نویسندگان و مؤلفان علوم و فنون می‌کوشید در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ، ترکیب تازه‌ای از هویت فرهنگی را که عبارت است از بازیافتن اندیشه‌ای ایرانی در چارچوب فرهنگ اسلامی ترویج کنند.

هر چه از قرون نخستین اسلامی به قرن‌های بعدی نزدیک‌تر شویم بر آمیزش زبان فارسی دری با زبان عربی افزوده می‌شود. در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم بسیاری از اصطلاحات علمی و ادبی و دینی و سیاسی جدید از عربی، وارد پارسی دری شد. در آغاز این دوره، هنوز بیشتر دانشمندان ایرانی به ضرورت، آثار خود را به عربی می‌نوشتند تا بتوانند در سرتاسر دنیای اسلام خوانندگان بیشتری پیدا کنند.

### شعر

یکی از ویژگی‌های شعر پارسی در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم، سادگی و روانی کلام و فکر در آن است. گوینده می‌کوشد تا فکر و خیال خود را همان‌گونه که به خاطرش می‌رسد، بیان کند و برای پیدا کردن تعبیر یا مفهوم تازه، خود را به زحمت نمی‌اندازد. شاعران این عصر، بیشتر به واقعیت بیرونی نظر داشتند و مفاهیم ذهنی آنان از قلمرو تعالیم کلی اخلاقی — در حد بسیار صمیمانه و عملی آن — در نمی‌گذشت. آوردن ترکیب‌های تازه و استعاره‌های نو و دلپذیر و تشبیهات گوناگون و استادی در انواع توصیف از خصیصه‌های دیگر شعر این دوره است.

این دوره، اوج درخشش شعر حماسی فارسی است. شعر غنایی در این عهد با دو غزلسرای مشهور، رودکی و شهید بلخی، قوت و استحکام یافت. نوع دیگر، شعر مدحی یا مدیحه سرایی بود که از آغاز ادب فارسی به پیروی از شعر عربی معمول گشت. شاعران بزرگ درباری به مدح پادشاهان و رجال دربار سرگرم بودند.

شعر حکمی و اندرزی هم در این عهد به وجود آمد و در دوره سلجوقیان شتاب یافت. آوردن موعظه و نصیحت در شعر پارسی از آغاز قرن چهارم معمول شد و قطعه‌های کوتاه در این باب سروده شد اما کسی که قصیده تمام و کمال در این موضوع ساخت، کسایی مروزی بود که ناصر خسرو شیوه او را ادامه داد.

داستان سرایی و قصه پردازی و آوردن حکایت‌ها و مثل‌ها نیز در شعر این دوره آغاز گشت.

## نثر

در عهد سامانی نثر هم مانند شعر پارسی، رواج و رونق گرفت و کتاب‌هایی در موضوعات متنوع به زبان دری نوشته شد. نثر این دوره، ساده و روان و خالی از هر گونه تکلف و تصنع است. در کتاب‌های علمی تلاش شده است تا به جای آوردن ترکیبات عربی، معادل فارسی آنها جایگزین شود.

## فعالیت‌های درس اول

- ۱- ویژگی‌های اصلی شعر این دوره چیست؟
- ۲- گسترش زبان و ادب پارسی در این دوره مدیون چه عوامل و عناصری است؟
- ۳- یکی از انواع ادبی در شعر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم را بیان کنید.
- ۴- چه عواملی سبب شکوفایی حماسه در این عصر شد؟
- ۵- چه عواملی باعث گسترش دامنه عربی در اواخر این دوره شد؟
- ۶- مهم‌ترین کتاب‌های این دوره کدامند و چه تأثیری بر وضعیت عمومی زبان و ادب دارند؟
- ۷- چرا به این دوره، دوره نوزایی زبان فارسی می‌گویند؟

## درس ۲

### سبک‌شناسی دوره اول

«سبک در اصطلاح ادبی، شیوه خاص یک اثر یا مجموعه آثار ادبی است؛ و سبک شعر مجموعه ویژگی‌هایی است که شاعر یا شاعران در نحوه بیان اندیشه و کاربردهای لفظی بدان توجه داشته‌اند. شاعر و نویسنده با انتخاب الفاظ، شیوه بیان، ترکیب کلمات و روش خاص در بیان ادراک و احساس خویش، اسلوبی را پی می‌ریزد که اثر او را از دیگر آثار ادبی، متمایز می‌سازد.

سبک، شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر است؛ بنابراین به تعداد شاعران و نویسندگان جهان سبک وجود دارد؛ زیرا اطلاعات، دانش، ذوق و استعدادهای آدمی متفاوت است؛ اما در عین اختلاف، وجوه تشابه و اشتراک نیز در بیان آنها وجود دارد که می‌توان آنها را در یک دسته، جای داد.

سبک را از دیدگاه‌های گوناگون می‌توان طبقه‌بندی کرد. مشهورترین طبقه‌بندی براساس نظریه

ارسطو است که سبک را بر پایه هفت دیدگاه، به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است:

- ۱- براساس نام مؤلف، مانند سبک فردوسی، سبک حافظ؛

- ۲- براساس زمان و دوره اثر، مانند سبک قرون وسطایی و سبک جدید؛
- ۳- براساس زبان به کار گرفته شده در اثر، مانند سبک ایرانی و فرانسوی؛
- ۴- براساس موضوع، مانند سبک عرفانی؛
- ۵- براساس محیط جغرافیایی، مانند سبک آذربایجانی و سبک خراسانی؛
- ۶- به تناسب مخاطب، مانند سبک عامیانه یا عالمانه؛
- ۷- براساس هدف؛ مانند سبک تعلیمی و سبک فکاهی.

ملک الشعرا، بهار برای شعر فارسی، پنج نوع سبک و دوره قائل است :  
 سبک خراسانی یا ترکستانی (از آغاز شعر فارسی تا قرن ششم)؛  
 سبک عراقی (از قرن ششم تا قرن دهم)؛  
 سبک هندی (از قرن دهم تا سیزدهم)؛  
 دوره بازگشت در تمام طول قرن سیزدهم؛  
 دوره مشروطه و دوره معاصر.

بر این تقسیم بندی می توان بعضی از مکتبها و سبکها را نیز افزود.  
 بی شک مکتبها و سبکهای گذشته با تمام لطف و استحکامی که دارند، نتیجه اوضاع زمانه‌ای بوده‌اند که آنها را به وجود آورده است و دیگر نه آن اوضاع تجدید خواهد شد و نه آن زمانه برخوهد گشت. با این همه، مادام که شاعری فکری و دردی دارد، آن را به هر سبک و هر بیان که زیبا و هنرمندانه بگوید، شعر است.

نخستین آثار نظم و نثر زبان فارسی بعد از اسلام در ناحیه خراسان بزرگ (خراسان کنونی و افغانستان و تاجیکستان، ماوراءالنهر و ترکستان) پیدا شد. به سبک این آثار، «سبک خراسانی» گفته‌اند و به علت آن که ظهورش در زمان سامانیان بوده، آن را «سبک سامانی» نیز نامیده‌اند. از سوی دیگر سبک خراسانی بر حسب زمان به سه سبک فرعی سامانی، غزنوی و سلجوقی تقسیم می‌شود که بر روی هم ویژگی‌های مشترکی در آنها دیده می‌شود. سبک دوره سلجوقی را باید «بین‌بین» نام نهاد، چرا که ویژگی‌های سبک عراقی نیز در آن به چشم می‌خورد. از شعرای معروف سبک خراسانی می‌توان به رودکی، فردوسی، ناصر خسرو، سنایی و ... اشاره کرد.  
 ویژگی‌های شعر سبک خراسانی در سه قلمرو :

## الف) ویژگی‌های قلمرو زبانی

- ۱- سادگی زبان شعر
- ۲- کمی لغات عربی و لغات بیگانه (به جز اصطلاحات دینی و علمی).
- ۳- تفاوت تلفظ برخی از کلمات در مقایسه با زبان امروز مثلاً یک - هزار / یک - هزار.
- ۴- کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات در مقایسه با زبان امروز.

## ب) ویژگی‌های فلمرو فکری

- ۱- روح شادی و نشاط و خوش باشی، در شعر غلبه دارد.
- ۲- شعر واقع گراست و توصیفات عمدتاً طبیعی و ساده و محسوس و عینی است.
- ۳- معشوق، عمدتاً زمینی و دست یافتنی است.
- ۴- جنبه‌های عقلانی بر جنبه‌های احساسی و عاطفی غلبه دارد.
- ۵- روح حماسه بر ادبیات این دوره، حاکم است.
- ۶- اشعار پندآموز و اندرزگونه این دوره، ساده است و جنبه عملی و دستوری دارد.
- ۷- مضمون عمده اشعار این سبک، حماسه، غنا، مرثیه، حکمت، پند و اندرز، و ... است.

## ج) ویژگی‌های ادبی

- ۱- قالب عمده شعر این دوره، قصیده است و مسمط و ترجیع بند در حال شکل‌گیری هستند.
- ۲- قالب غزل نیز در اواخر این دوره، پدید می‌آید.
- ۳- استفاده از آرایه‌های ادبی، طبیعی و معتدل است.
- ۴- قافیه و ردیف، بسیار ساده است.
- ۵- در توصیفات بیش تر از تشبیه (از نوع حسی) بهره گرفته می‌شود.
- ۶- در سبک خراسانی دو دوره تندر دیده می‌شود:
- الف) نثر دوره سامانی با ویژگی‌های زیر:
- ایجاز و اختصار
- تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی
- کوتاهی جملات
- لغات کهنه فارسی



– کمی لغات عربی

– مطابقت عدد و معدود در جمع

– افزایش نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی

محتوای نثرهای این دوره، بیشتر علمی است و گاهی نثرهای حماسی و تاریخی و دینی هم در آن دیده می‌شود. از نمونه‌های موفق این نثر می‌توان ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التفهیم و مقدمه شاهنامه ابو منصور را نام برد.

(ب) نثر دوره غزنوی و سلجوقی با ویژگی‌های زیر:

– اطناب

– تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار عرب

– تقلید از نثر عربی

– حذف افعال به قرینه

– استعمال لغات عربی

از نمونه‌های این نوع نثر:

تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه، سفرنامه ناصر خسرو، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت و کشف‌المحجوب

## فعالیت

۱- با توجه به شعر زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید:

نبود دندان، لابل چراغ تابان بود  
ستاره سحری بود و قطره باران بود  
چه نحس بود! همانا که نحس کیوان بود  
منت بگویم: قضای یزدان بود  
همیشه تا بود آیین گرد، گردان بود  
و باز درد، همان کز نخست درمان بود  
و نو کند به زمانی همان که خُلقان بود

مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود  
سپید سیم زده بود و دُرّ و مرجان بود  
یکی نمائد کنون زان همه، بسود و بریخت  
نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز چو بود؟  
جهان همیشه چنین است، گرد گردان است  
همان که درمان باشد، به جای درد شود  
کهن کند به زمانی همان کجا نو بود

بسا شکسته بیابان، که باغ خرم بود  
و باغ خُرم گشت آن کجا بیابان بود  
رودکی

الف) دو ویژگی ادبی بیت دوم را بنویسید.

ب) کدام ویژگی زبانی دوره اول در این شعر دیده می‌شود؟

۲- در سروده زیر :

الف) کدام ویژگی‌های فکری دیده می‌شود؟

ب) در این شعر کدام ویژگی‌های زبانی دوره دوم دیده می‌شود؟

دل من همی داد گفתי گویایی	که باشد مرا روزی از تو جدایی
بلی هر چه خواهد رسیدن به مردم	بر آن دل دهد هر زمانی گویایی
من این روز را داشتم چشم و زین غم	نبوده‌ست با روز من روشنایی
جدایی گمان برده بودم ولیکن	نه چندان که یک‌سو نهی آشنایی
به جرم چه راندی مرا از در خود	گناهم نبوده‌ست جز بی‌گنایی
بدین زودی از من چرا سیر گشتی	نگارا بدین زودسیری چرایی
که دانست کز تو مرا دید باید	به چندان وفا این همه بی‌وفایی
سپر دم به تو دل، ندانسته بودم	بدین گونه مایل به جور و جفایی
دریغا دریغا که آگه نبودم	که تو بی‌وفا در جفا تا کجایی
همه دشمنی از تو دیدم ولیکن	نگویم که تو دوستی را نشایی
نگارا من از آزمایش به آیم	مرا باش، تا بیش ازین آزمایی
به صد مهرگان دگر شاد کن دل	که تو شادی و فرخی را سزایی
به هر جشن نو فرخی مادح تو	کند بر تو و شاه مدحت‌سزایی

فرخی سیستانی

۳- سه مورد از ویژگی‌های متن زیر را بنویسید :

«به روزگار خسرو، اندر وقت بوذرجمهر، رسولی آمد از روم. خسرو بنشست چنان که رسم

ملوک عجم بود و رسول را بار داد. پیش رسول با وزیر (بوذرجمهر) گفت: «ای فلان، همه چیز در

عالم تو دانی؟» بوذرجمهر گفت: «نه؛ ای خدایگان.» خسرو از آن طیره شده و از رسول خجل گشت. پرسید که «همه چیز پس که داند؟» بوذرجمهر گفت: «همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده اند.» پس تو خویشان را از جمیع داناترین کس بدان که چون خود را نادان دانستی، دانا گشتی. پس به دانش خویش غرّه مشو.

(قابوسنامه)

۴- متن زیر مربوط به کدام دورهٔ نثر است؟ دو مورد از ویژگی‌های نثر این دوره را بنویسید.  
 (... و میان امیر مسعود و منوچهر قابوس، والی گرگان و طبرستان، پیوسته مکاتبت بود سخت پوشیده، چه آن وقت که به هرات می‌بود و چه بدین روزگار. مردی که وی را حسن مُحدّث گفتندی، نزدیک امیر مسعود فرستاده بود تا هم خدمتِ محدّثی کردی و هم گاه از گاه، نامه و پیغام آوردی و می‌پردی. و نامه‌ها به خطّ من رفتی که عبدالغفارم؛ و هر آن گاه که آن محدّث را به سوی گرگان فرستادی، بهانه آوردی که آن جا تخم سپرغم‌ها و ترنج و طبق‌ها و دیگر چیزها آورده می‌آید». تاریخ بیهقی (ص ۹۶-گزیده)

## درس سوم

### نگاهی به ادبیات و زبان فارسی در قرن‌های پنجم تا هفتم

تلاش شاعران و نویسندگان ایران از قرن سوم تا میانهٔ قرن پنجم، موجب احیا و ادامهٔ زبان و ادب فارسی در شرق و شمال شرقی یعنی ماوراءالنهر، خراسان و سیستان شد. عوامل مهمی که موجب پیشرفت زبان و ادب فارسی در این دوره شد:

- علاقه‌مندی شاهان در جلب عالمان و ادیبان به دربار
  - توسعهٔ مدارس و مراکز تعلیم
  - لشکرکشی‌ها و فتوحات غزنویان و سلجوقیان
  - پدیده‌های عمده‌ای که برای زبان فارسی رخ داد، عبارت بود از:
  - گسترش فارسی دری و آمیزش آن با کلمات و لغات نواحی مرکزی و غربی ایران،
  - درآمیختن فارسی با مفردات و ترکیبات زبان عربی
  - آمیختگی با واژه‌ها، نام‌ها و لقب‌های رایج در عصر غزنوی و سلجوقی.
- هرچه زمان می‌گذشت، آمیختگی زبان فارسی با واژگان عربی رو به فزونی می‌رفت؛ زیرا در

مدارس آن عهد، تنها تحصیل علوم دینی و ادبی، میسر بود، به همین سبب نه فقط شاعران و ادیبان ناگزیر با زبان و ادب عربی آشنا بودند.

موضوعی مهم تر که در این دوره در تاریخ زبان فارسی اتفاق افتاد، نشر زبان فارسی دری در هندوستان و آسیای صغیر، یعنی در نواحی شرقی و غربی بیرون از ایران بود. محمود غزنوی در هجوم های متعدد خود به هندوستان، آیین اسلام را با زبان فارسی به سرزمین سند و از آن جا به دیگر نواحی هندوستان برد و بسیاری از هندوان را مسلمان و با زبان فارسی آشنا کرد، به طوری که زبان فارسی در میان آنان نه تنها زبان سیاسی و نظامی شد بلکه عنوان زبان مقدس دینی یافت.

اگر نگاهمان را بر شعر این دوره معطوف داریم، در خواهیم یافت که شعر پارسی هنوز تا حدود نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم، شعر پارسی هنوز زیر تأثیر سبک عهد سامانی و غزنوی است، یعنی سخن شاعرانی چون ناصر خسرو قبادیانی یادآور اشعار شاعران قرن چهارم است، اما هم در شعر این شاعران و هم در دیگر گویندگان، پدیده های نو و ابتکارات خاصی که حاکی از نشانه های تحوّل سبک شعر است، دیده می شود.

شعر فارسی در این دوره در مسیر تحوّل و تطوّر سبک قرار گرفت و برخی از سخنوران به شیوه ای نو گراییدند.

عده ای از شاعران قرن پنجم و اوایل قرن ششم کوشیدند که سبک شعری آغاز دوره غزنوی را دنبال کنند.

گروهی دیگر از شاعران این دوره در عین تقلید از پیشینیان، هر یک ویژگی ها و نوآوری هایی دارند که سبب دگرگونی در سخن فارسی شدند. گروهی دیگر، شاعران نیمه دوم قرن ششم در خراسان، فارس، نواحی مرکزی عراق و آذربایجان بودند که در تغییر بنیادی سبک شعر فارسی تأثیر گذاشتند.

موضوع قابل توجه در شعر نیمه دوم قرن ششم، علاقه مندی شاعران به ساختن غزل های لطیف و زیباست. سرودن غزل از قرن چهارم در شعر فارسی آغاز شده بود ولی انوری و هم سبکان او در آوردن مضامین دقیق در غزل بسیار کوشیدند، چون سبک آنان در سخن ساده و طبیعی بوده است، غزل های ایشان لطف بیشتری چه در لفظ و چه در معنی پیدا کرد. تحولی که انوری و سنایی در غزل ایجاد کرده اند، باعث شد که در قرن هفتم شاعران بزرگی در غزل ظهور کنند و این نوع از شعر فارسی را به حدّ اعلای کمال برسانند.

در همان حال که شاعران خراسان و سیستان، سرگرم ایجاد سبک تازه خود بودند، در شمال

غربی ایران دست‌های نو از شاعران ظهور کرده بودند که کار آنان از هر جهت در ادب فارسی، تازگی داشت. این دسته که شاعران معروف آذربایجان بودند (خاقانی، نظامی)، سبک شعر فارسی را از آنچه در دیگر نواحی ایران یا پیش از آنان بوده است، متمایز ساختند.

مرکز ادبی مهم دیگری که در نیمهٔ دوم قرن ششم، در شکل‌گیری شیوهٔ خاصی از شعر فارسی مؤثر بود، حوزهٔ ادبی فارس و نواحی مرکزی (عراق) است. در این حوزه یعنی شهرهایی از قبیل اصفهان، همدان، ری و همسایگان آنها، شاعران و نویسندگان مشهوری در اواخر قرن ششم ظهور کردند که در تجدید سبک اثر بسیار داشتند. از جملهٔ آنان، جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی بود که سبک سخنش در آوردن ترکیبات جدید لفظی و به کار بردن لغات عربی و آوردن مضامین نو در شعر، تازگی داشت.

سبک عمومی شعر در نیمهٔ دوم قرن ششم، اوایل قرن هفتم با نیمهٔ اول قرن ششم، تفاوت عمده داشت و باید گفت مقدمهٔ ظهور سبک عراقی در شعر فارسی بود. اگر به وضع عمومی شاعران این عهد، نظر بیفکنیم، درمی‌یابیم که عده‌ای از رجال مشهور زمان، اعم از شاهان، وزیران، امیران، حکیمان و فیلسوفان در شمار شاعران پارسی‌گوی و عربی‌سُرا بوده و دفتر و دیوان شعر داشته‌اند و یا دست کم از مجالست با شاعران زمان خود و بزرگ شمردن آنان لذت می‌برده‌اند. شاعران هم با سرودن مدیحه‌های غزای خود سبب شهرت و آوازهٔ ممدوحان خود می‌شدند و از آنان، صله‌های گران حاصل می‌کردند. شاعران این دوره به اندازهٔ شاعران دورهٔ قبل به‌عشرت و طرب اشتغال نداشتند و حتی در زندگی برخی از آنان دست کم در نیمهٔ دوم حیات، نوعی زهد و تقوی به چشم می‌خورد که سبب می‌شد تا سرمشق دینداری و فضیلت برای هواداران خود شوند مانند سنایی، خاقانی و نظامی. و به همین سبب است که در آثار شاعران این عهد بسیار به نصیحت، موعظه و اندرزهای اخلاقی و تربیتی برمی‌خوریم.

شعر این دوره از نظر سبک گویندگی و موضوع، متنوع بود. تنوع در موضوع بدان سبب بود که شعر پارسی در راهی که پشت سرگذشت، به تخصص‌ها و رشته‌هایی تقسیم شده بود که از همه مهم تر عبارت بود از: مدح، هجو، هزل، وعظ و حکمت، داستان‌سرایی، تغزل و حماسه.

شعر مدحی که از آغاز ادب فارسی و بیشتر به سبب انتساب شاعران به دربارها و دستگاه‌های شاهان و رجال، و دریافت مقرری از آنان، معمول گردیده بود، در این دوره هم، به سبب آن که در ساختارهای سیاسی و اجتماعی ایران تغییر قابل ملاحظه‌ای رخ نداد، ادامه یافت.

هجو و هزل، که از قرن چهارم در شعر فارسی راه یافته بود و نمونه‌هایی شوخی‌آمیز و گاهی آمیخته با حدّ ملایمی از رکاکت فکر و کلام داشت، در این دوره راه مبالغه را پیمود.

علت اساسی رواج و مبالغه در این فن از سخنوری را باید در ناهنجاری اوضاع اجتماعی ایران در اواخر قرن چهارم جستجو کرد تا آن جا که برخی از شاهان برای تفریح خاطر شاعران را به هجو یکدیگر یا دیگران برمی‌انگیختند.

در مقابل این نوع از شعر، موعظه و حکمت هم که در شعر کسایی راه کمال را پیموده بود، در این دوره در اشعار سنایی و خاقانی مقام والایی یافت. سنایی در آغاز قرن ششم، معانی حکمی و عرفانی در آمیخته با بند و اندرز را در قالب تعبیراتی زیبا و عباراتی شیوا عرضه کرد.

نظم داستان‌های حماسی که دوره واقعی آن قرن چهارم هجری بود، از اوایل دوران مورد مطالعه ما رو به ضعف گذاشت، زیرا در این عهد از یک سو، ایران زیر سلطه غلامان و قبایل زردپوست آسیای مرکزی بود و از سوی دیگر، افتخارات نژادی و میانی ملی، رو به ضعف و سستی نهاده بود.

از ویژگی‌های شعر فارسی در این دوره، تأثیرپذیری بعضی از شاعران از ادبیات عرب و توجه آنان به مضامین شاعران عرب است.

نکته قابل توجه دیگر در شعر این دوره، آن است که بسیاری از شاعران از مدّاحی و انتساب به دربارها پرهیز می‌کردند. ناصر خسرو از شاعران آغاز این دوره به سبب اعتقادات دینی خود از دربارها کناره می‌گرفت. پس از او، سنایی که ابتدا مدّاح بود در دوره دوم از حیات شعری خود، به سیر و سلوک معنوی پرداخت.

تحول احوال سنایی، آغازی بود برای تحول عمیق در شعر فارسی، یعنی روی آوردن بسیاری از شاعران پس از او به تصوّف، عرفان و گشودن دروازه‌های شعر فارسی به روی اندیشه‌های عرفانی که نتیجه آن، ظهور شاعرانی بزرگ چون عطار و مولوی بود. با خروج شعر از دربارها و ورود آن به خانقاه‌ها دامنه موضوعات آن گسترش یافت و بر سادگی بیان و قدرت عواطف و عمق افکار و اندیشه‌هایی که موضوع شعر پارسی بود، افزوده گشت و خانقاه در شمار پشتیبانان و پناهگاه‌های شعر درآمد.

علاوه بر عرفان، حکمت و دانش‌های گوناگون و اندیشه‌های دینی هم در شعر این دوره، تأثیری عمیق بخشید و جزئی از مضامین شعر شد. یکی از مضامین برجسته و قابل توجه در شعر این عهد، بدبینی شاعران نسبت به دنیا و بریدن از آن، شکایت از روزگار، نابسامانی‌های اجتماعی و بیان ناخرسندی فرزندانگان از اوضاع زمان است.

## فعالیت‌های درس سوم

- ۱- ویژگی‌های سبک عمومی شعر در نیمه اول قرن ششم چه بود؟
- ۲- رواج کدام نوع شعر در این دوره چشم‌گیر است؟ چرا؟
- ۳- تحوّل اساسی شعر این دوره، در چه زمینه‌هایی صورت گرفت؟
- ۴- هر یک از موضوعات زیر در شعر نیمه دوم قرن ششم چگونه مطرح شده است؟
  - الف) هجو و هزل
  - ب) موعظه و حکمت
  - ج) داستان‌های حماسی
- ۵- بزرگ‌ترین شاعران تأثیرگذار و مکتب‌ساز این دوره را نام ببرید و نوع تأثیر آنان را بنویسید.

## درس چهارم

### سبک‌شناسی دوره دوم

با گسترش شعر فارسی دری در فارس و نواحی مرکزی ایران (عراق) و آذربایجان و توجه نویسندگان و شاعران به علوم و ادبیات، در سبک شعر و نثر نیز تحوّلی پیدا شد که به «عراقی» معروف است. این دوره را می‌توان شکوفاترین دوران زبان و ادب فارسی دانست. اکنون به ویژگی‌های سبک این دوره اشاره می‌کنیم:

#### ویژگی‌های زبانی

- ۱- کثرت لغات و ترکیبات عربی؛
- ۲- از میان رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی؛
- ۳- فراوانی ترکیبات نو؛
- ۴- حرکت زبان به سوی دشواری و کاسته شدن از روشنی و سادگی و روانی؛
- ۵- ورود لغات ترکی و مغولی (از طریق حکومت‌های غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهی و مغول).

#### ویژگی‌های فکری

- ۱- گسترش عرفان و تصوّف؛
- ۲- فراوانی زُهدستایی و وعظ و اندرز در شعر؛
- ۳- فاصله گرفتن تغزّل از تمایلات نفسانی و در نتیجه آسمانی شدن عشق؛
- ۴- رواج هجو و هزل در شعر؛
- ۵- رواج حسّ دینی و ضعف ملیت‌گرایی؛
- ۶- درون‌گرایی در شعر و توجّه به احوال شخصی و مسائل روحی؛
- ۷- رواج مفاخره، شکایت و انتقاد اجتماعی.

### ویژگی‌های ادبی

- ۱- رواج اکثر قالب‌های شعری خصوصاً غزل و مثنوی و به اوج رسیدن آنها
- ۲- رواج موضوعات عرفان، زهد، داستان‌سرایی، حبسیه، هجو و ...؛
- ۳- خوش‌آهنگ‌تر شدن اوزان شعری نسبت به سبک دورهٔ اوّل؛
- ۴- توجّه بیشتر به آرایه‌های ادبی؛
- ۵- به‌کاربردن مجاز، کنایه، استعاره و ایهام و پرهیز از صراحت بیان؛
- ۶- به‌کارگیری ردیف‌های فعلی و اسمی دشوار در شعر؛
- ۷- استفاده از موازنه، تمثیل، آیات و احادیث در شعر.

نثر فارسی دورهٔ دوم در این دوره، سادگی و روانی نثر دورهٔ پیش را ندارد و به‌دلیل کاربرد فراوان الفاظ پیچیده و صناعات ادبی، دشوارتر و دیرپاتر می‌شود. البته برخی از آثار این دوره در عین فاصله گرفتن از ساده‌نویسی، رشد و تعالی نثر فارسی را نشان می‌دهند؛ مانند گلستان سعدی و کلیله و دمنه.

ویژگی‌های عمدهٔ نثر فارسی این دوره عبارتند از:

- ۱- استفاده از آرایه‌های لفظی و معنوی در نثر (چون موازنه، سجع، مراعات نظیر، تشبیه و ...)
- ۲- حذف افعال به قرینه، تکرار افعال و ...؛
- ۳- کاربرد لغات مهجور عربی، ترکی و مغولی و اصطلاحات علمی و فنی؛
- ۴- رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی؛
- ۵- آوردن مترادف‌های و اطناب‌های غیر ضروری؛
- ۶- سجع‌های متوالی؛



۷- کاربرد فراوان شعر در متن

۸- استفاده از ترکیبات دشوار.

نمونه‌های آثار منشور این دوره :

چهارمقاله نظامی عروضی، مقامات حمیدی، تاریخ جهان‌گشای جوینی، نفثه‌المصدور و تاریخ

و صاف.

## فعالیت‌های درس چهارم

۱- در شعر زیر :

گفت نقشست همه کژاست چرا	ابلهی دید اشتری به چرا
عیب نقاش می‌کنی هشدار	گفت اشتر که اندرین پیکار
تو زمن راه راست رفتن خواه	در درکزی‌ام مکن به عیب نگاه
از کژی، راستی کمان آمد	نقشم از مصلحت چنان آمد
طاق ابرو برای جفتی چشم	هست شایسته گرچت آمد خشم
با بد و نیک جز نکو مکنید	هرچه او کرده عیب او مکنید
چشم، خورشیدین ز ابرو شد	دست عقل از سخن به نیرو شد
سخت نیک است از او نیاید بد	زشت و نیکو به نزد اهل خرد
شب و شبگیر رو مر او را خوان	به خدایی سزا مر او را دان
گرچه زشت آن همه نکو بینی	آن نکوتر که هرچه زو بینی

(سنایی)

الف) دو ویژگی ادبی را بنویسید.

ب) کدام ویژگی‌های زبانی در شعر دیده می‌شود؟

۲- در سروده زیر :

بگشاد در خزینه را بند	چون دید پدر، جمال فرزند
می‌کرد چو گل خزینه ریزی	از شادی آن خزینه خیزی
تا رسته شود ز مایه دادن	فرمود ورا به دایه دادن

دورانش به حکم دایگانی	پرورد به شیر مهربانی
هر شیر که در دلش سرشتند	حرفی ز وفا بر او نوشتند
هر مایه که از غذایش دادند	دل دوستی‌ای در او نهادند
هر نیل که بر رخس کشیدند	افسونِ دلی بر او دمیدند
چون لاله دهن به شیر می‌شست	چون برگ سمن به شیر می‌رست
گفتی که به شیر بود شه‌دی	یا بود مه‌ی میان مهدی
از مه چو دو هفته بود رفته	شد ماه دو هفته بر دو هفته
شرط هنرش تمام کردند	قیس هنریش نام کردند
چون بر سر این گذشت سالی	بفرود جمال را کمالی

(نظامی - لیلی و مجنون)

الف) ویژگی‌های ادبی شعر را بنویسید.

ب) ویژگی‌های زبانی شعر را بنویسید.

۳- کدام یک از ویژگی‌های نثر این دوره را، در متن زیر، می‌بینید؟

«آورده‌اند که به فلان شهر، درختی بود و در زیر درخت سوراخ موش، و نزدیک آن، گربه‌ای خانه داشت؛ و صیّادان آن‌جا بسیار آمدندی روزی صیّاد دام بنهاد. گربه در دام افتاد و بماند. و موش به طلب طعمه از سوراخ بیرون رفت. به هر جانب برای احتیاط، چشم می‌انداخت و راه سره می‌کرد، ناگاه نظر بر گربه افگند. چون گربه را بسته دید، شاد گشت. در این میان از پس نگریست. راسویی از جهت او کمین کرده بود، سوی درخت التفاتی نمود. بومی قصد او داشت. بترسید و اندیشید که: اگر بازگردم، راسو در من آویزد و اگر بجای قرار گیرم، بوم فرود آید، و اگر پیش‌تر روم، گربه در راهست. با خود گفت: درِ بلاها باز است و انواع آفت به من محیط و راه مخوف، و با این همه، دل از خود نشاید برد...»

(کلیله و دمنه - نصرالله منشی)

## ❖ کارگاه تحلیل فصل اول

۱- نمونه‌های زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو زبانی بررسی کنید :

بوی جوی مولیان آید همی  
 ریگ آموی و درستی راه او  
 آب جیحون از نشاط روی دوست  
 ای بخارا! شاد باش و دیر زی  
 یاد یار مهربان آید همی  
 زیر پایم پرنیان آید همی  
 خنگ ما را تا میان آید همی  
 میر زی تو شادمان آید همی

رودکی



الا یا خیمگی! خیمه فروهل  
 تبیره زن بزد طبل نخستین  
 نماز شام نزدیکست و امشب  
 ولیکن ماه دارد قصد بالا  
 که پیشاهنگ بیرون شد ز منزل  
 شتربانان همی بندند محمل  
 مه و خورشید را بینم مقابل  
 فروشد آفتاب از کوه بابل

منوچهری



مرا چون هائف دل دید دمساز  
 که بشتاب ای نظامی زود دیرست  
 بهاری نو برآر از چشمه نوش  
 در این منزل به همت ساز بردار  
 بر آورد از رواق همت آواز  
 فلک بد عهد و عالم زود سیرست  
 سخن را دست بافی تازه در پوش  
 درین پرده به وقت آواز بردار

خسرو و شیرین، نظامی

۲- نمونه‌های زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو ادبی بررسی کنید :

«و بدان که نخستین چیزی که خلق تعالی آفرید قلم را آفرید چنان که پیغامبرد علیه السلام فرمود :  
 اول ما خلق الله تعالی القلم . و قلم را فرمود که بر لوح بگرد و بنویس هر چه تا قیامت خواهد بود، پس هر  
 چه خواست آفریدن و خواست بودن تا رستخیز، همه قلم بنوشت به امر حق عزّ و جلّ».

تاریخ بلعمی



«نوشته اند : درزی و جولاهه‌ای با هم دوستی داشته‌اند و چون به هم بنشستند می‌گفتندی که این  
 کار این شیخ هیچ بر اصل نیست . روزی با یکدیگر می‌گفتند که این مرد دعوی کرامت می‌کند؛ بیا تا هر

دو به نزدیک وی در شویم، اگر شیخ بداند که ما هر یکی چه کار کنیم و پیشه‌ی ما چیست، بدانیم که او بر حق است و آنچه می‌کند بر اصل است. هر دو متفکر وار به نزدیک شیخ ما درآمدند. چون چشم شیخ بر ایشان افتاد گفت، بیت: به فلک برد و مرد پیشه ورنه زان یکی درزی و دگر جولاه پس اشارت به درزی کرد و گفت: این ندوزد مگر قبال ملوک آنکه اشاره به جولاهه کرد و گفت: وان نبافد مگر گلیم سیاه ایشان هر دو خجل گشتند و در پای شیخ افتادند و از آن انکار توبه کردند».

اسرارالتوحید، محمدبن منور



ملک گفت: آورده اند که بازرگانی غلامی داشت دانا و زیرک سار و بیدار بخت، بسیار حقوق بندگی بر خواجه ثابت گردانیده بود و مقامات مشکور و خدمات مقبول و مرور بر جراید روزگار ثبت کرده. روزی خواجه گفت غلام را: ای غلام، اگر این بار دیگر سفر دریا برآوری و باز آیی، ترا از مال خویش آزاد کنم و سرمایه‌ی وافر دهم که کفاف آنرا پیرایه‌ی عفاف خود سازی و همه عمر پشت به دیوار فراغت باز دهی غلام این پذیرفتگاری از خواجه شنید، بروی تقبل و تکفل پیش آمد و بر کار اقبال نمود، بار در کشتی نهاد و خود درنشست، روزی دو سه بر روی دریا می‌راند، ناگاه بادهای مخالف از هر جانب برآمد، سفینه را درگردانید و بار آبدگینه املش خرد بشکست کشتی و هرچ درو بود، جمله به غرقاب فنا فرو رفت و او به سنگ پشت بحری رسید، دست درو آویخت و خود را بر پشت او افکند تا به جزیره‌ای افتاد که درو نخلستان بسیار بود، یک چندی در آن جایگه از آنچه مقدور بود، قوتی می‌خورد

...

مرزبان نامه

۳- نمونه‌های زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو فکری بررسی کنید:

پُرآرایش و زیب و خوبی و فر	به شهری رسیدند خرّم دگر
براو بی کران برده گوهر به کار	ز بیرونش بتخانه‌ای پرنگار
بتی در وی از زرّ باطوق و تاج	نهاده در ایوانش تختی ز عاج
که دادی بَر از هفت سان آن درخت	درختی گشن‌رُسته در پیش تخت
ز نار و ترنج و به دلفریب	زانگوروانجیرونارنج و سیب
که هر سال بارش دو بار آمدی	نه باری بدینسان به بار آمدی

بُدی چهره آن بت بر و برنگار  
چو خوردی از آن میوه گشتی درست  
گر شاسبنامه، اسدی طوسی

هر آن برگ کز وی شدی آشکار  
ز شهر آن که بیمار بودی و سُست



وز کمال عشق، نه نیست و نه هست  
زیر هر معنی، جهانی راز داشت  
کرد مرغان را ز فان بند از سخن  
جمله شب می کنم، تکرار عشق  
زیر چنگ، از ناله زار من است

بلبل شیدا درآمد، مستِ مست  
معنی ای در هر هزار آواز داشت  
شد در اسرار معانی، نعره زن  
گفت بر من ختم شد، اسرار عشق  
زاری اندر نی، ز گفتار من است

منطق الطیر، عطار



چون کند اندر او همی پرواز  
راه گم کردگان، ز هیبت باز  
(آغاجی) قرن چهارم

به هوا در نگر، که لشکر برف  
راست، همچون کبوتران سپید



کز اهل سماوات به گوش تو رسد صوت!  
تو زنده بمانی و بمیرد ملک الموت.  
انوری

ای خواجه، رسیده ست بلندیت به جایی  
گر عمر تو چون قد تو باشد به درازی